

نام داستان	متن روایی داستان	تطبیق داستان کتاب با سند	اعتبار سند (شیعه یا سنی)
۵ اولین مسلمانان	وقعة صفین / النص / ۳۲۵ / القول فی من یشری نفسه [القول فی من یشری نفسه] نَصْرٌ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مَرْوَانَ عَنِ الْكَلْبِيِّ عَنْ أَبِي صَالِحٍ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ - وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ رَؤُفٌ بِالْعِبَادِ قَالَ: نَزَلَتْ فِي رَجُلٍ وَ هُوَ صُهَيْبُ بْنُ سِنَانٍ مَوْلَى عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جُدْعَانَ أَخَذَهُ الْمُشْرِكُونَ فِي رَهْطٍ مِنَ الْمُسْلِمِينَ فِيهِمْ خَيْرٌ مَوْلَى قُرَيْشٍ لِّبْنِي الْحَضْرَمِيِّ خَبَّابُ بْنُ الْأَرْتِ مَوْلَى ثَابِتِ بْنِ أُمِّ انْمَارٍ وَبِلَالٌ مَوْلَى أَبِي بَكْرٍ وَعَابِسٌ مَوْلَى حُوَيْطِبِ بْنِ عَبْدِ الْعَزَى وَ عَمَّارُ بْنُ يَاسِرٍ وَ أَبُو عَمَّارٍ وَ سُمَيَّةُ أُمُّ عَمَّارٍ فَقَتِلَ أَبُو عَمَّارٍ وَ أُمُّ عَمَّارٍ وَ هُمَا أَوَّلُ قَتِيلَيْنِ قُتِلَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ وَ عَذِبَ الْآخَرُونَ بَعْدَ مَا خَرَجَ النَّبِيُّ ص مِنْ مَكَّةَ إِلَى الْمَدِينَةِ فَأَرَادُوهُمْ عَلَى الْكُفْرِ فَأَمَّا صُهَيْبٌ فَكَانَ شَيْخًا كَبِيرًا ذَا مَتَاعٍ فَقَالَ لِلْمُشْرِكِينَ: هَلْ لَكُمْ إِلَى خَيْرٍ؟ فَقَالُوا: مَا هُوَ؟ قَالَ: أَنَا شَيْخٌ كَبِيرٌ ضَعِيفٌ لَا يَضُرُّكُمْ مِنْكُمْ كُنْتُ أَوْ مِنْ عَدُوِّكُمْ وَ قَدْ تَكَلَّمْتُ بِكَلَامٍ أَكْرَهَ أَنْ أَنْزَلَ عَنْهُ فَهَلْ لَكُمْ أَنْ تَأْخُذُوا مَالِي وَ تَذَرُونِي وَ دِينِي؟ فَفَعَلُوا فَنَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ فَلَقِيَهُ أَبُو بَكْرٍ حِينَ دَخَلَ الْمَدِينَةَ فَقَالَ: رِبْحَ الْبَيْعِ يَا صُهَيْبُ وَ قَالَ: وَ يَبْعُكَ لَا يَخْسِرُ وَ قَرَأَ عَلَيْهِ هَذِهِ الْآيَةَ فَفَرِحَ بِهَا أَمَّا بِلَالٌ وَ خَبَّابٌ وَ عَابِسٌ وَ عَمَّارٌ وَ أَصْحَابُهُمْ فَعَذَّبُوا حَتَّى قَالُوا: بَعْضُ مَا أَرَادَ الْمُشْرِكُونَ ثُمَّ أُرْسِلُوا فِيهِمْ نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ - وَ الَّذِينَ هَاجَرُوا فِي اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مَا ظَلَمُوا لِنُبُوَّتِهِمْ فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَ لَأَجْرِ الْآخِرَةِ أَكْبَرُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ. وَ مِنَ النَّاسِ مَن يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَ اللَّهُ رَؤُفٌ بِالْعِبَادِ پاره ای از مردانند که در راه رضای خدا از جان خویش می گذرند و خدا دوستدار چنین بندگان است^۱». گفت: (این آیه) در شأن این مردان نازل شده است: صهیب بن سنان، برده آزاد شده عبد الله بن جدعان که مشرکان وی را با شماری از مسلمانان بازداشت کرده بودند، و نیز خیر، برده آزاد شده بنی حضرمیان، و خباب بن الارت، برده آزاد شده ثابت بن ام انمار، و بلال	اولویت ۱	اولویت ۱

گزارش مدرک یابی کتاب های کتابخانه دبستان فضیلت

		برده آزاد شده ابو بکر، و عابس برده آزاد شده حویطب بن عبد العزی، و عمار بن یاسر، و پدرش (ابو) عمار، و سمیه مادر عمار. پدر و مادر عمار کشته شدند، و آن دو نخستین کشتگانی بودند که از مسلمانان به قتل رسیدند، و پس از آنکه پیامبر صلی الله علیه از مکه به مدینه هجرت فرمود (کفار قریش) آنان را شکنجه داده و از ایشان خواسته بودند که به کفر برگردند. (اما) صهیب (که) مردی کهنسال و دارا بود، به مشرکان گفت: آیا خیری از من انتظار دارید؟ گفتند: چه خیری؟ گفت: من پیری کهنسال و ناتوانم و اگر با شما یا بر ضد شما باشم این شما را زیانی نرساند، سخنی گفته ام که خوش ندارم از آن برگردم. آیا ممکن است مالی از من بستانید و مرا با دین خود گذارید؟ پس چنان کردند و این آیه نازل شد. هنگامی که وی به مدینه آمد ابو بکر او را دید و به او گفت: ای صهیب تجارت پرسودی کردی، و نیز گفت: سودای تو زیان نمی دهد، و این آیه (و من الناس من یشری ...) را بر او بخواند و وی از آن سخت شادمان شد. اما بلال و خباب و عابس و عمار و یارانشان همچنان آن قدر شکنجه شدند تا پاره ای از سخنانی را که مشرکان می خواستند (زیر شکنجه) بر زبان آوردند، آنگاه راهی (مدینه) شدند، و این آیه در حق ایشان نازل شد: وَالَّذِينَ هَاجَرُوا فِي اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مَا ظَلَمُوا لَنُبَوِّئَنَّهُمْ فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَلَأَجْرُ الْآخِرَةِ أَكْبَرُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ آنان را که در راه خدا مهاجرت کردند پس از آنکه ستمها در وطن خود (از کافران) کشیدند، در دنیا جایگاه نیکو می دهیم در صورتی که اگر بدانند، اجری که در آخرت به آنها عطا خواهیم کرد بسیار بزرگتر و نیکوتر است.^۲
۷	ظلم و شکنجه	إعلام الوری بأعلام الهدی (ط - القدیمة) النص ۴۸ الفصل الخامس فی ذکر ما لقی رسول الله من أذى المشركين و إسلام حمزة بن عبد المطلب عَنْ جَابِرٍ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ مَرَّ بِعَمَّارٍ وَأَهْلِهِ يُعَذِّبُونَ فِي اللَّهِ فَقَالَ أَبْشِرُوا آلَ عَمَّارٍ فَإِنَّ مَوْعِدَكُمْ الْجَنَّةُ. جابر گوید: حضرت رسول صلی الله علیه و آله به عمار و خانواده اش گذشتند در حالی که مشرکین آنان را اذیت میکردند، و این عذاب از جهت این بود که آنان به خداوند ایمان
اولویت ۱	اولویت ۱	اولویت ۱

گزارش مدرک یابی کتاب های کتابخانه دبستان فضیلت

		آورده بودند، پیغمبر فرمود: ای آل عمار صبر کنید شما را در مقابل این عذاب به بهشت پروردگار مژده میدهم.	
اولویت ۱	اولویت ۱	المغازی، الواقدی، مقدمة، ص ۲۱ الطبری، تاریخ، ج ۱، ص ۱۱۸۰. فلما فعل ذلك بالمسلمين أمرهم رسول الله صلى الله عليه و سلم أن يخرجوا إلى أرض الحبشة، و كان بالحبشة ملك صالح يقال له النجاشي، لا يظلم أحد بأرضه، و كان يثني عليه، مع ذلك صلاح - و كانت أرض الحبشة متجرا لقريش يتجرون فيها، يجدون فيها رفاغا من الرزق، و أمنا و متجرا حسنا - فأمرهم بها رسول الله صلى الله عليه و سلم، فذهب إليها عامتهم لما قهروا بمكة، و خاف عليهم الفتن، و مكث هو فلم يبرح، فمكث بذلك سنوات، يشتدون على من أسلم منهم. ثم إنه فشا الإسلام فيها، و دخل فيه رجال من أشrafهم] (۱)[. چون نسبت به مسلمانان چنین رفتار شد پیامبر (ص) دستور داد تا به سرزمین حبشه، هجرت کنند. در حبشه، پادشاه نیکوکاری بود که او را نجاشی می گفتند، در سرزمین او نسبت به هیچ کس ستم نمی شد، و او را می ستودند. حبشه یکی از مناطق بازرگانی قریش بود که معمولا از تجارت آنجا در آمد سرشار داشتند و می توانستند با امنیت خاطر در آنجا بازرگانی کنند. پیامبر (ص) به مسلمانان دستور هجرت به آنجا را داد و عموم مسلمانان به حبشه رفتند، زیرا در مکه مقهور دشمنان بودند و پیامبر هم از انواع گرفتاریها بر آنها بیم داشت، ولی خود در مکه باقی ماند و چند سالی چنین گذشت. مشرکان همچنان بر هر کس که اسلام می آورد سختگیری می کردند، تا اندک اسلام آشکارا شد و گروهی از اشراف قریش به اسلام در آمدند».	۹ سفر به حبشه
اولویت ۱	اولویت ۱	الطبقات الكبرى، ابن سعد، ج ۱، ص: ۱۵۹ أخبرنا محمد بن عمر. أخبرنا يونس بن محمد الظفري عن أبيه عن رجل من قومه قال: و أخبرنا عبيد الله بن العباس الهذلي عن الحارث بن الفضيل قال: فخرجوا متسللين سرا و كانوا أحد عشر رجلا و أربع نسوة حتى انتهوا إلى الشعيبة منهم الراكب و الماشي و وفق الله تعالى للمسلمين ساعة جاؤوا سفينتين للتجار حملوهم فيهما إلى أرض الحبشة بنصف دينار. و كان مخرجهم في رجب من السنة الخامسة من حين نبى رسول الله. ص. و خرجت	

گزارش مدرک یابی کتاب های کتابخانه دبستان فضیلت

		قریش فی آثارهم حتی جاؤوا البحر حیث رکبوا فلم یدرکوا منهم أحدا. قالوا: و قدما أرض الحبشة فجاورنا بها خیر جار أمانا علی دیننا و عبدنا الله لا نوذی و لا نسمع شیئا نکرهه. حمد بن عمر واقدی از یونس بن محمد ظفری، از پدرش، از قول مردی از قومش، و عبید الله بن عباس هذلی از حارث بن فضیل نقل می کردند* آنان کاملا پوشیده و پنهانی هجرت کردند و یازده مرد و چهار زن بودند و خود را به شعبیه رساندند، برخی از ایشان پیاده و برخی سواره آمده بودند و خداوند هم توفیق مهاجرت را نصیب ایشان کرد که همان ساعت دو کشتی بازرگانی رسید و ایشان را به نصف دینار به حبشه برد، و این بیرون شدن ایشان در ماه رجب سال پنجم مبعث بود، قریش به تعقیب ایشان پرداختند و تا کنار دریا همان جایی که سوار شده بودند، رفتند ولی به هیچ یک از ایشان دست نیافتند. آن مسلمانان می گفتند در حبشه در کمال آرامش بودیم، نسبت به دین خود در امان بودیم و خدای را عبادت می کردیم و آزاری نمی دیدیم و ناسزایی نمی شنیدیم.	
اولویت ۱	اولویت ۱	سیره رسول خدا(ص)، جعفریان ۴۱۴ ۵ - رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در قبا در مورد بنای مسجد قبا نامی از عمار بن یاسر به میان آمده است. به نقل از حکم بن عیینه، زمانی که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در قبا فرود آمد، عمار گفت: باید برای آن حضرت ساییانی ساخت تا زیر آن استراحت کرده و نماز بگذارد. آنگاه به جمع آوری سنگ پراخته و مسجد قبا را بنا کرد. آنگاه که وی سنگها را جمع آوری کرد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم مسجد را بنا نمود و عمار بنای آن را تکمیل کرد بنا بر این عمار اولین کسی است که مسجدی برای عموم مسلمانان ساخته است.	۱۰ هجرت به مدینه
اولویت ۱	اولویت ۱	کشف الغمّة فی معرفة الأئمة (ط - القديمة) / ج ۱ / ۲۶۱ / ليلة الهریر مِنَ الْمَنَاقِبِ عَنْ عَلْقَمَةَ وَالْأَسْوَدِ قَالَا أَتَيْنَا أَبَا أَيُّوبَ الْأَنْصَارِيَّ فَقُلْنَا يَا أَبَا أَيُّوبَ إِنَّ اللَّهَ أَكْرَمَكَ بِنَبِيِّهِ إِذْ أَوْحَى إِلَيْهِ رَاحِلَتَهُ فَبَرَكْتَ عَلَى بَابِكَ وَكَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَ ضَيْفًا لَكَ فَضِيلَةً فَضَلَّكَ اللَّهُ بِهَا أَخْبَرْنَا عَنْ مَخْرَجِكَ مَعَ عَلِيٍّ قَالَ فَإِنِّي أَقْسِمُ لَكُمْ أَنَّهُ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَ فِي هَذَا الْبَيْتِ الَّذِي أَنْتُمْ فِيهِ وَلَيْسَ فِي الْبَيْتِ غَيْرُ رَسُولِ اللَّهِ وَ عَلِيٌّ جَالِسٌ عَنْ يَمِينِهِ وَأَنَا عَنْ يَسَارِهِ وَأَنْسُ قَائِمٌ بَيْنَ يَدَيْهِ إِذْ تَحَرَّكَ الْبَابُ فَقَالَ عَلِيٌّ انْظُرْ مَنْ فِي الْبَابِ فَخَرَجَ أَنْسُ	۱۳ جانشین پیامبر

گزارش مدرک یابی کتاب های کتابخانه دبستان فضیلت

		وَقَالَ هَذَا عَمَارُ بْنُ يَاسِرٍ فَقَالَ أَفْتَحْ لِعَمَارٍ الطَّيِّبِ الْمُطَيِّبِ فَفَتَحَ أَنَسٌ وَدَخَلَ عَمَارٌ فَسَلَّمَ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ فَحَبَّ بِهِ وَقَالَ إِنَّهُ سَيَكُونُ مِنْ بَعْدِي فِي أُمَّتِي هَنَاتٌ حَتَّى يَخْتَلِفَ السَّيْفُ فِيمَا بَيْنَهُمْ وَحَتَّى يَقْتُلَ بَعْضُهُمْ بَعْضًا وَحَتَّى يَبْرَأَ بَعْضُهُمْ مِنْ بَعْضٍ فَإِذَا رَأَيْتَ ذَلِكَ فَعَلَيْكَ بِهَذَا الْأَصْلَحِ عَنْ يَمِينِي عَلَى بْنِ أَبِي طَالِبٍ وَإِنْ سَلَكَ النَّاسُ كُلَّهُمْ وَادِيًا فَسَلَكَ عَلَى وَادِيًا فَاسْلُكْ وَادِيَّ عَلَى وَخَلِّ عَنِ النَّاسِ إِنْ عَلِيًّا لَا يَرُدُّكَ عَنْ هُدًى وَلَا يَدُلُّكَ عَلَى رَدًى يَا عَمَارُ طَاعَةٌ عَلَى طَاعَتِي وَطَاعَتِي طَاعَةُ اللَّهِ تَعَالَى. و از علقمه و اسود روایت می‌کند که ما رفتیم نزد ابو ایوب انصاری و گفتیم یا ابا ایوب حق سبحانه و تعالی ترا گرامی فرمود به پیغمبر خود که الهام کرد بر احوله وی که بر در خانه تو بزانو درآمد، و آن حضرت مهمان تو بود باین فضیلتی که حق سبحانه و تعالی بتو آرزانی داشته که خبر کن ما را از بیرون رفتن تو با علی بن ابی طالب گفت: سوگند یاد می‌کنم برای شما که رسول الله (ص) در این خانه بود که اکنون شما هستید، و نبود در خانه غیر آن حضرت و امیر المؤمنین (ع) که بر راست او نشسته بود و من که بر جانب چپ او بودم و آنس که در پیش وی ایستاده بود، ناگاه در حرکت کرد فرمود بآنس که: به بین چه کس است، آنس بیرون رفت آمد که عمار است فرمود که: در بگشا که او طیب و مطیب است، او در گشوده عمار به اندرون آمد و بر رسول الله سلام کرد، آن حضرت او را مرحبا گفته فرمود که: زود باشد بعد از من که در میان امت من اختلاف افتد و شمشیر در میان ایشان درآید و بعضی بعضی را بکشند و میان ایشان بی زاری پیدا شود، پس هر گاه که این چنین بینی بر تست که دست از این اصلح که بر یمین من است برنداری که او علی بن ابی طالب است؛ و اگر سلوک نمایند همه مردم بوادی، و علی تنها بوادی سلوک نماید تو مردم را بگذار و پی او برو که او ترا باز نخواهد داشت از هدایت، و دلالت نخواهد کرد ترا بضلالت، ای عمار طاعت علی طاعت منست و طاعت من طاعت حق تعالی.
اولویت ۱	اولویت ۱	۱۵ وقعه صفین / النص / ۳۲۳ / ما جاء من الحديث في عمار عَنْ رَجُلٍ مِنْ أَصْحَابِ النَّبِيِّ صَلَّى قَالَ: «لَقَدْ مَلَى عَمَارٌ إِيْمَانًا إِلَى مُشَاشِهِ». وجود عمار تا استخوانهایش از ایمان پر شده است.
اولویت ۱	اولویت ۱	۱۵ و نادی عمار بن یاسر ذلک الیوم: یا معشر المسلمین، انا قد کنا و ما کنا نستطیع الکلام، قلّة و ذلّة، فأعزنا الله بدینه، و أکرما برسوله، ف الحمد لله رب العالمین*، یا معشر قریش، الی

گزارش مدرک یابی کتاب های کتابخانه دبستان فضیلت

		هدایت مردم متی تصرفون هذا الأمر عن أهل بيت نبیکم، تحولونه هاهنا مرة، و هاهنا مرة، و ما أنا آمن أن ينزعه الله منکم، و یضعه فی غیرکم، كما نزعتموه من أهله، و وضعتموه فی غیر أهله. سپس عمار برخاست و گفت: «ای مردم! خداوند شما را به وجود پیامبرتان گرامی داشت و به وسیله دین به شما عزت بخشید. تا کی شما امر رهبری را از خاندان پیامبر بر می گردانید و به این سو و آن سو می کشید؟ سوگند به خدا! من ترس آن دارم که خدا این نعمت را از شما بگیرد و در میان بیگانگان قرار دهد.»
اولویت ۱	اولویت ۱	۱۷ جنگ با دشمنان وقعة صفین / النص / ۳۱۹ / خطبة عمار بن یاسر قَامَ عَمَّارُ بْنُ يَاسِرٍ بِصَفِيِّينَ فَقَالَ: امْضُوا مَعِيَ عِبَادَ اللَّهِ إِلَى قَوْمٍ يَطْلُبُونَ فِيمَا يَزْعُمُونَ بَدَمَ الظَّالِمِ لِنَفْسِهِ الْحَاكِمِ عَلَى عِبَادِ اللَّهِ بِغَيْرِ مَا فِي كِتَابِ اللَّهِ إِنَّمَا قَتَلَهُ الصَّالِحُونَ الْمُنْكَرُونَ لِلْعُدْوَانِ الْأَمْرُونَ بِالْإِحْسَانِ. فَقَالَ هَؤُلَاءِ الَّذِينَ لَا يُبَالُونَ إِذَا سَلِمَتْ لَهُمْ دُنْيَاهُمْ وَلَوْ دَرَسَ هَذَا الدِّينُ لَمْ قَتَلْتُمُوهُ فَقُلْنَا لِأَحَدَاتِهِ فَقَالُوا إِنَّهُ مَا أَحْدَثَ شَيْئًا وَ ذَلِكَ لَأَنَّهُ مَكَنَهُمْ مِنَ الدُّنْيَا فَهُمْ يَأْكُلُونَهَا وَيَرْعَوْنَهَا وَ لَا يُبَالُونَ أَنْهَدَتْ عَلَيْهِمُ الْجِبَالُ. وَ اللَّهُ مَا أَظْنَهُمْ يَطْلُبُونَ دَمَهُ إِنَّهُمْ لَيَعْلَمُونَ أَنَّهُ لَظَالِمٌ وَ لَكِنَّ الْقَوْمَ ذَاقُوا الدُّنْيَا فَاسْتَحَبُّوْهَا وَ اسْتَمَرَّوْهَا وَ عِلِمُوا لَوْ أَنَّ صَاحِبَ الْحَقِّ لَزِمَهُمْ لِحَالِ بَيْنِهِمْ وَ بَيْنَ مَا يَأْكُلُونَ وَ يَرْعَوْنَ فِيهِ مِنْهَا وَ لَمْ يَكُنْ لِلْقَوْمِ سَابِقَةٌ فِي الْإِسْلَامِ يَسْتَحِقُّونَ بِهَا الطَّاعَةَ وَ الْوَلَايَةَ فَخَدَعُوا أَتْبَاعَهُمْ بِأَنْ قَالُوا قُتِلَ إِمَامُنَا مَظْلُومًا. لِيَكُونُوا بِذَلِكَ جَبَابِرَةً وَ مَلُوكًا وَ تِلْكَ مَكِيدَةٌ قَدْ بَلَّغُوا بِهَا مَا تَرَوْنَ وَ لَوْ لَا هِيَ مَا بَايَعَهُمْ مِنَ النَّاسِ رَجُلَانِ اللَّهُمَّ إِنْ تَنْصُرْنَا فَظَالِمًا نَصَرْتَ وَ إِنْ تَجْعَلَ لَهُمُ الْأَمْرَ فَادْخِرْ لَهُمْ بِمَا أَحْدَثُوا لِعِبَادِكَ الْعَذَابَ الْأَلِيمَ. عمار بن یاسر در صفین ایستاد و گفت: «ای بندگان خدا [با من] بر سر گروهی که (به یهوده) انتقامی می جویند و قصاصی می طلبند، پی سپار شوید. آنان چنان که خود ادعا می کنند به خونخواهی کسی برخاسته اند که خود بر خویشتن ستم کرده و بر بندگان خدا، بر خلاف آنچه در کتاب خدا آمده، حکومت رانده است، او را نیکمردانی کشته اند که درازدستی را زشت می شمردند و خود به احسان و نکوکاری فرمان می دادند. اما اینان، که در صورت آسایش و به سامان بودن کار دنیاشان باکی ندارند که این دین (الاهی) متروک بماند و از میان برود، (به ما) گویند: چرا وی را کشتید؟ گوییم: برای نو آوریها و بدعتها

گزارش مدرک یابی کتاب های کتابخانه دبستان فضیلت

بد او. گویند: او هرگز امر نوپدیدی به بدعت نیاورد. این را از آن رو گویند که او دست اینان را به دنیا گشاده داشت و مال و منالشان داد چندان که در جهان می خورند و می چرند و اگر کوهها بر سر ایشان فرو ریزد پروایی ندارند. به خدا سوگند، نیندارم که ایشان به خونخواهی او برخاسته باشند زیرا خود نیک می دانند که او به راستی ستمگر بود، ولی این گروه طعم دنیاخوارگی را چشیده اند و آن را خوش داشته و گوارا یافته اند و دانسته و دریافته اند که اگر [صاحب راستین] حق آنان را به فرمانبرداری وا دارد، میان ایشان و سفره گسترده شادخواری دنیا که [از آن می خورند] و مرتع جهان که در آن می چرند مانعی ایجاد خواهد کرد. چون این گروه را پیش از این سابقه ای در اسلام نبوده است که به سبب آن (تقدّم) شایسته فرمانروایی و سزاوار حکمرانی باشند. پیروان خود را بدین سخن فریفتند که گفتند: «پیشوای ما مظلومانه کشته شد» تا خود بدین دستاویز، حاکم زورگوی و شهریار مردم شوند.

این نیرنگ آنان را بدینجا کشانده که می بینید، و اگر نه این می بود (و چنین نیرنگی نمی پرداختند و این دستاویز را نمی ساختند) حتی دو تن نیز با ایشان بیعت و همدستی نمی کردند. بار الها، اگر ما را پیروزی و یآوری دهی تو همواره پیروزی بخش و یاور ما بوده ای و اگر کار (دنیا) را بدیشان سپاری، به خاطر حوادث رنجباری که آنان برای بندگان آفریده اند، شکنجه دردناکی (در دنیا و آخرت) برای ایشان بیندوز.»

گزارش مدرک یابی کتاب های کتابخانه دبستان فضیلت

اولویت ۱	اولویت ۱	۱۸ یار پیامبر قَالَ نَصْرٌ وَ حَدَّثَنَا عُمَرُ بْنُ سَعْدٍ قَالَ: وَ فِي هَذَا الْيَوْمِ قُتِلَ عَمَّارُ بْنُ يَاسِرٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أُصِيبَ فِي الْمَعْرَكَةِ وَ قَدْ كَانَ قَالَ عَمَّارٌ حِينَ نَظَرَ إِلَى رَأْيَةِ عَمْرٍو بْنِ الْعَاصِ وَ اللَّهُ إِنَّ هَذِهِ الرَّأْيَةَ قَاتَلْتُهَا ثَلَاثَ عَرَكَاتٍ وَ مَا هَذِهِ بِأَرْشَدِهِنَّ ثُمَّ قَالَ عَمَّارٌ: نَحْنُ ضَرْبَانُكُمْ عَلَى تَنْزِيلِهِ فَالْيَوْمَ نَضْرِبُكُمْ عَلَى تَأْوِيلِهِ ضَرْبًا يُزِيلُ الْهَامَ عَنْ مَقِيلِهِ وَ يُذْهِلُ الْخَلِيلَ عَنْ خَلِيلِهِ أَوْ يُرْجِعُ الْحَقَّ إِلَى سَبِيلِهِ ثُمَّ اسْتَسْقَى وَ قَدْ اشْتَدَّ ظَمُّهُ فَآتَتْهُ امْرَأَةٌ طَوِيلَةً الْبَيْدَيْنِ وَ اللَّهُ مَا أَدْرَى أَعْسَ مَعَهَا أَمْ إِدَاوَةٌ فِيهَا ضِيَاحٌ مِنْ لَبَنٍ؟ فَقَالَ حِينَ شَرِبَ: الْجَنَّةُ تَحْتَ الْأَسِنَّةِ الْيَوْمَ الْقَى الْأَحِبَّةَ مُحَمَّدًا وَ حَزْبَهُ. وَ اللَّهُ لَوْ ضَرَبُونَا حَتَّى يَبْلُغُوا بَنَاءَ سَعَفَاتِ هَجَرَ لَعَلِمْنَا أَنَا عَلَى الْحَقِّ وَ هُمْ عَلَى الْبَاطِلِ ثُمَّ حَمَلَ وَ حَمَلَ عَلَيْهِ ابْنُ جَوْنٍ السَّكُونِيُّ وَ أَبُو الْعَادِيَةِ الْفَزَارِيُّ فَأَمَّا أَبُو الْعَادِيَةِ فَطَعَنَهُ وَ أَمَّا ابْنُ جَوْنٍ فَإِنَّهُ احْتَرَّ رَأْسَهُ. [کشته شدن عمار بن یاسر] [نصر: گفت: عمر بن سعد ما را حدیث کرد و گفت: عمار بن یاسر رضی الله عنه آن روز در معرکه زخم خورد و کشته شد]. عمار هنگامی که به پرچم عمرو بن عاص نگریسته بود گفته [بود]: به خدا سوگند این همان پرچم است که من در سه معرکه در برابر (و بر ضد) آن جنگیده ام و هدف این (فتنه) از آن معرکه ها درست تر نباشد. سپس عمار گفت: نَحْنُ ضَرْبَانُكُمْ عَلَى تَنْزِيلِهِ فَالْيَوْمَ نَضْرِبُكُمْ عَلَى تَأْوِيلِهِ ... ما (پیشتر) شما را بر سر تنزیل و فرو آمدن آن (قرآن) زدیم و امروز نیز بر سر تأویل و مفهوم آن می زنیم. چنان ضربه ای زنیم که سرها را از پیکرها بر اندازد و دوست از دوست خود باز ماند. یا اینکه حق به راه راستین خود باز آید.
----------	----------	--

گزارش مدرک یابی کتاب های کتابخانه دبستان فضیلت

سپس چون بسیار تشنه شده بود آب خواست و زنی نزدیکش آمد و به دستهای خویش، ندانم: قدحی یا مشکی که در آن آمیزه آب و شیر بود به سوی وی دراز کرد، و عمّار هنگامی که آن را می نوشید گفت: «بهشت زیر نیزه هاست.

اليوم ألقى الأحبّ محمداً وحزبه.

امروز یارانم، محمد و گروه او را دیدار خواهم کرد.

به خدا سوگند اگر ما را به نخلستانهای دوردست هجر برانند یقین ما این است که ما بر حقیم و آنان بر باطلند.» سپس حمله کرد و ابن جون سکونی و ابو عادیه الفزاری نیز بدو حمله کردند، ابو عادیه با نیزه اش بزد و ابن جون سرش را از پیکر جدا کرد.

گزارش مدرک یابی کتاب های کتابخانه دبستان فضیلت

اولویت ۱	اولویت ۱	وقعه صفین النص ۳۲۴ ما جاء من الحديث في عمار عَنْ حَبِيبِ بْنِ أَبِي ثَابِتٍ قَالَ: لَمَّا بُنِيَ الْمَسْجِدُ جَعَلَ عَمَّارٌ يَحْمِلُ حَجَرَيْنِ فَقَالَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ ص: «يَا أَبَا الْيَقْظَانِ لَا تَشْقُقْ عَلَى نَفْسِكَ» قَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنِّي أَحِبُّ أَنْ أَعْمَلَ فِي هَذَا الْمَسْجِدِ قَالَ: ثُمَّ مَسَحَ ظَهْرَهُ ثُمَّ قَالَ: «إِنَّكَ مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ تَقْتُلُكَ الْفِتْنَةُ الْبَاغِيَةُ». از حبیب بن ابی ثابت که گفت: هنگامی که مسجد (پیامبر) را می ساختند عمار سنگها را دو به دو می آورد، پس پیامبر خدا صلی الله علیه فرمود: «ای ابا یقظان خود را رنجه مدار» گفت: ای پیامبر خدا، من دوست دارم که در ساختمان این مسجد به کوشندگی کار کنم. (راوی) گفت: سپس (پیامبر) دستی به پشت او کشید و آنگاه گفت: «تو از ثواب جویان نرمدلی که آن گروه گردنکش ستمکار تو را می کشند». تخریج الدلالات، الخزاعي ۹۷ ۹ - عمار بن یاسر كانت صفين في ربيع الآخر سنة سبع و ثلاثين، و دفن في ثيابه و لم يغسل، و كان سنّ عمار يوم قتل نيّفا على تسعين سنة، فقليل إحدى و تسعين سنة، و قيل اثنتين و تسعين، و قيل ثلاثا و تسعين. انتهى.	۲۰
		مطلب خاص منقولي در این صفحه نیست	۲۲